

نظر به حقیقت کلی بدون نظر به مناظر و اعیانی که محل ظهور حقایق اند

شماره پرسش: ۵۹۸۱

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۷/۲۰ ۰۷:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام استاد عزیز در مقدمه‌ی نهاییه الحکمه در فضائل علامه طباطبایی (ره) حکایتی از علامه جوادی (حفظ الله) نقل شده به این شرح: "اوج تکامل عقلی و تجرد روح این ابرمرد حکمت به مقامی رسید که کلیات عقلی را بدون دخالت قوه تخیل و تمثیل مصداق آن‌ها در مرحله‌ی خیال و تجسد آن در مرتبه‌ی مثال متصل یا با صرف نظر از آن ادراک می‌نمود. یکی از ادله‌ی تجرد روح همانا ادراک کلیات مرسله است که از هر قید مجرد و از هر کثرتی منزّه می‌باشد، و روحی که یک موجود مجرد تام را ادراک می‌کند و می‌یابد حتماً مجرد خواهد بود و البته این برهان تجرد روح از راه ادراک کلی، درباره اوحدی از نفوس ناطقه صادق است، نه درباره نفوس همه‌ی مردم. بعد از پایان بحث مزبور از مرحوم استاد علامه پرسیدم: آیا شما می‌توانید کلی را بدون تمثیل هیچ فرد خیالی آن، و نیز بدون تخیل انتشار آن در بین مصادیق مثالی ادراک کنید؟ فرمود: تاحدی. و این جواب با توجه به خفض جناح و تواضع جبلی آن بزرگوار که هرگز اعجاب و خودبینی نداشت یعنی «آری». " (۱) ظاهراً علامه جوادی بین تصور مصداق کلیات در مرحله‌ی خیال و مرحله‌ی مثال تفاوت گذاشته‌اند. این تفاوت چیست؟ (۲) می‌فرمایند ادراک کلیات بدون تصور مصادیق جزئی در مورد اوحدی از انسان‌ها صادق است. این چه طور ممکن است؟ بنده مثلاً وقتی مفهوم انسان به ذهنم متبادر می‌شود بدون این که انسان جزئی به ذهنم بیاید معنای آن را حس می‌کنم. آیا این همان ادراک مفهوم کلی بدون مصداق آن در خیال نیست؟ اما علامه می‌فرمایند اوحدی از نفوس این توانایی را دارند و آن را از امتیازات علامه طباطبایی می‌دانند. این چگونه ممکن است؟ متشکرم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اولیای الهی امثال علامه توانسته‌اند به حقیقت کلی بدون نظر به مناظر و اعیانی که محل ظهور حقایق اند، نظر کنند مثل آن که نور کبریائی حق را به خود کبریایی بیابند ولی نه از منظر اعیانی که مظهر کبریایی حق اند. و این غیر از نظر به مفاهیم است، مسئله خیلی بالاتر از این هاست و تنها با توحید ناب ظهور می‌کند، آن طور که علی «علیه السلام» قبل از دیدن هرچیز و با آن چیز و بعد از آن چیز، «الله» را می‌بینند. از این سنخ است ولی در مرتبه‌ی خودشان. موفق باشید